

## تعیین و تواتر قرائت حفص در عصر پیامبر تا کنون\*

محسن رجیبی قدسی\*\* محمدعلی لسانی فشارکی\*\*\*

چکیده

«قرآن» سخن و کلام خداوند یکتا و «قرائات» بازتاب خوانش‌های مختلف مردم از متن واحد قرآن است. «اختلاف قرائات» همزمان با آموزش و ترویج و تثبیت متن واحد قرآن در عهد نبوی و تحت اشراف پیامبر اکرم (ک) به منصفه ظهور رسید و پایه پای گسترش قرآن، تا اوائل سده چهارم هجری پیوسته توسعه یافت تا اینکه با تدوین هفت قرائت شاخص و منضبط در السبعه ابن معاهد تقریباً متوقف گردید. این جستار با توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی کوشیده است تا نشان دهد که قرآن از قرائات متمایز بوده و با وجود شکل‌گیری اختلاف قرائات در عهد نبوی، متن صوتی کلام الله یکسان و یکدست به نسل بعدی منتقل و تعلیم شد که در سده یکم هجری از آن به «قرائت ناس» و «قرائت عامه» یاد می‌شده است. با شهرت یافتن هفت قرائت منتسب به قاریان هفت‌گانه که حدود ۹۸ درصد کلمات قرآن در قرائات آنان یکسان قرائت شده‌اند، معلوم گردید که فقط قرائت عاصم به روایت حفص از هرگونه اجتهاد در قرائت، پیراسته و منطبق با قرائت ناس و عامه مردم و متواتر از رسول خدا (ک) است که تاکنون تقریباً در همه جای جهان اسلام رواج و گسترش همگانی دارد.

**واژگان کلیدی:** قرائت ناس، قرائت عامه، تعیین روایت حفص از عاصم، تواتر قرآن، عاصم

بن ابی‌النجود، حفص بن سلیمان.

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۸.

\*\* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: [rajabi@quran.ac.ir](mailto:rajabi@quran.ac.ir)

\*\*\* استادیار مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن [lessanima@gmail.com](mailto:lessanima@gmail.com)

قرآن و قرائات، دو حقیقت متمایز و متغایر از یکدیگرند؛ بااین حال، قرائات هم در پیدایی و هم در گسترش و ماندگاری، همواره وابسته به قرآن مجید بوده و خواهد بود. «قرآن» متن قطعی و متواتر سخن خداست و «قرائات» در بردارنده خوانش‌های مختلف از متن واحد قرآن از سوی مخاطبان آن است که به دو دسته عمده قابل تقسیم است؛ یکم: قرائات تصریفی و تفسیری که بیشتر در عهد نبوی ظهور و بروز داشته‌اند (مالک بن انس، الموطأ، بی تا: ۲۰۱/۱؛ طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ۱۴۲۰: ۲۲/۱-۷۱؛ لیدو داد، سنن، ۱۴۰۵: ۱۱۵)؛ و پس از رحلت آن حضرت به فراموشی سپرده شده‌اند و از ترویج و گسترش آنها ممانعت به عمل آمده است (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۲۵۹/۲، ۸۷/۶؛ ابن ابی شیبیه، المصنّف فی الأحادیث والآثار، ۱۴۰۹: ۱۳۶/۶؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷: ۵۲۵/۵)؛ دوم: قرائات محدود به رسم الخط توقیفی و متواتر قرآن که پس از رحلت نبوی مورد توجه قرار گرفته و تا چندین سده تدریس و تعلیم می‌شده و تاکنون بیش از صدها کتاب و مقاله و رساله درباره آن تألیف و تدوین شده است.

با شهرت قرائات هفتگانه در سده دوم و سوم هجری و با تألیف و تدوین آنها در کتاب السبعة ابن مجاهد (د ۳۲۴ق)، این پرسش‌ها مطرح شده است که چه نسبتی میان این قرائات و قرائت پیامبر اکرم K برقرار است؟ آیا می‌توان همه آن هفت قرائت را عین تعلیم رسول خدا K دانست؟ اگر پاسخ منفی باشد، کدام قرائت متواتر از پیامبر اکرم K است؟ این جستار کوشیده است با طرح دیدگاه‌های مشهور، نظریه تواتر قرائت عاصم به روایت حفص را بازخوانی و واکاوی کند.

#### آموزش و ترویج قرآن در عهد نبوی

پیامبر اکرم K پس از دریافت هر قسمت از قرآن در طول ۲۳ سال رسالت پر برکت‌شان، بی‌درنگ آن را بر مردم قرائت و تلاوت می‌کردند تا قرآن به گوش مردم برسد و زمینه یادگیری آن برای علاقه‌مندان فراهم آید (دارمی، سنن دارمی، ۱۴۳۴: ۶۱۶). رسول خدا K با بنیان‌گذاری نظام آموزشی قرآن بر پایه «(إقراء)»، توانستند آموزش و ترویج و تثبیت قرآن را به گونه‌ای سامان بدهند که اندکی پیش از رحلت آن حضرت، متن صوتی کلام‌الله در قلب و زبان صدها مسلمان ضبط و حمل شد و متن نوشتاری و مکتوب آن در ده‌ها نسخه، جمع و تدوین گردید و در دسترس همگان قرار گرفت (ابن ابی عاصم، الأحاد و المشانی، ۱۴۱۱: ۱۹۱/۳؛ احمد بن

حبل، مسند، ۱۴۲۱: ۲۶۶/۵؛ کلینی، الکافی، ۱۳۹۱: ۱۲۱/۵-۱۲۲؛ ابن ابی داود، المصاحف، ۱۴۰۵: ۱۸۶-۱۹۴)؛ به طوری که مسلمانان، قرآن را در زمان‌ها و فضاها، مختلف، در نمازها، در سفر و حضر، در گرما گرم کسب و کار و در گیرودار جنگ و جهاد، و در هر نشست و برخاستی می‌خواندند و به یکدیگر تعلیم می‌دادند و یا به عرضه آن می‌پرداختند (رجبی قدسی، تاریخ کتابت قرآن و قرانات، ۱۳۹۸: ۱۱-۵۹).

همزمان با اوج‌گیری تعلیم و تعلّم قرآن در مدینه، رسول خدا<sup>k</sup> برای گسترش و ترویج قرآن در خارج از مدینه، همراه نمایندگان هریک از قبایل و گروه‌ها، معلّم قرآنی را گسیل می‌داشت تا به آنان قرآن را تعلیم دهند؛ عمرو بن حزم انصاری را در سال دهم هجری که نوجوان ۱۷ ساله‌ای بود، به یمن (ابن هشام، السیرة النبویة، ۱۴۱۶: ۲۳۷/۴)، مرثد بن ابی مرثد، خالد بن ابی بکیر لثی، عاصم بن ثابت، خُبیب بن عدی، زید بن دُثَیْه و عبدالله بن طارق را به قبیله عَضَل و قاره (همان: ۱۲۳/۳ - ۱۲۴)؛ و عَبّاد بن بَشر را پس از سَرِیْه عَیْبَیْنَه بن حِصْن فزاری در سال نهم هجری، همراه گروهی از خُزاعَه به نزد بنی المصطلق فرستاد تا قرآن و شرایع اسلام را به آنان بیاموزد (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۱۲۲/۲). مُعاذ بن جبل و ابوموسی اشعری را نیز در مکه مأمور آموزش قرآن و تفقه در دین کرد (واقدی، المغازی، ۱۴۰۹: ۳-۹۵۹).

پس از رحلت پیامبر اکرم<sup>k</sup> و آغاز فتوحات، حوزه‌های آموزش و ترویج قرآن با مهاجرت گروهی از صحابه به دیگر شهرها و مناطق تازه مسلمان گسترش یافت. عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود را به کوفه (بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷: ۱۶۳/۱)، ابوموسی اشعری را به بصره و پس از فتح منطقه شام در سال ۱۳ و ۱۴ هجری، مُعاذ بن جبل، عبادة بن صامت و ابودرداء را به شام فرستاد و گفت ابتدا از حمص شروع کنید. پس از آموزش قرآن در حمص و رضایت مردم، عباده در حمص ماند و ابودرداء به دمشق و معاذ به فلسطین رفتند و در همان جا پس از سال‌ها تعلیم قرآن درگذشتند (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۸۱/۴؛ همان: ۲۷۲/۲-۲۶۳-۲۷۳).

ابودرداء در جانب شرقی مسجد جامع دمشق پس از نماز صبح، ابتدا به تعلیم قرآن به مردم می‌پرداخت، سپس قرآن‌آموزان را به گروه‌های ده نفره تقسیم می‌کرد و برای هر گروه، مُقری و عَرِیف (سرگروه) قرار می‌داد و خود در محراب به گونه‌ای می‌ایستاد که ناظر امر آموزش سرگروه‌ها باشد. اگر کسی دچار اشتباه می‌شد، از عَرِیف می‌پرسید و اگر عَرِیف نیز خطا می‌کرد، از ابودرداء می‌پرسید. گفته‌اند بیش از ۱۶۰۰ تن در حلقه تعلیم و إقراء او شرکت داشتند (ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۱؛ سخاوی، جمال القراء وکمال الإقراء، ۱۴۱۳: ۲۲۷/۲؛ ذهبی، سیر

أعلام النبلاء، ۱۴۰۵: ۲۰). پس از ابودرداء، از صحابیان، فضالة بن عبید انصاری و وائلة بن اسقع کنانی لیثی و بسیاری از تابعان از جمله ابومسلم خولانی، ابوادریس خولانی، امّ درداء، عطیة بن قیس کلابی به اقراء و تعلیم قرآن ادامه دادند (حافظ، القراءات و كبار القراء فی دمشق، ۱۴۲۴: ۵۱؛ برای مطالعه حوزه‌های اقراء و قرائت در دیگر بوم‌های اسلامی، مکه، بصره، بغداد و مصر، نک: لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۲۱-۷۰).

#### پیدایش قرائات

مخاطبان قرآن، همه «ناس» هستند و مردم دارای لهجه‌ها و گویش‌ها و زبان‌های متفاوت از یکدیگرند و ذوق و سلیقه و توان یادگیری آنان مختلف و متفاوت است. رسول خدا کلام همواره در مقام ابلاغ و تثبیت کلام‌الله، قرآن را یکسان اقراء و قرائت و تلاوت می‌کردند؛ اما در مقام آموزش و ترویج قرآن، بر اساس اصل آسان‌سازی آموزش: **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ** (قمر/۱۷-۲۲-۳۲-۴۰) و هموار کردن مسیر یادگیری «زبان قرآن»، در قبال اختلاف‌های لهجه‌ای، گویشی و زبانی مسلمانان و مراتب درک و دریافت و فهم آنان از متن قرآن نه تنها سخت‌گیری نداشتند، بلکه این مسیر را به گونه‌ای هموار می‌نمودند تا همگان بدون هیچ‌گونه فشار و سختی و هر طور که برای آنان آسان‌تر و دل‌پذیرتر است، قرآن را فرا بگیرند و بخوانند. برای نمونه، بلال حبشی قادر به تلفظ صحیح حرف «شین» نبود و آن را «سین» تلفظ می‌کرد. شاید به همین علت، با انتقاد ظاهرگرایان مواجه شده بود. پیامبر اکرم<sup>ص</sup> برای رفع نگرانی او و دفع اعتراض‌های دیگران، فرمودند: **«إِنَّ سَيْنَ بِلَالٍ عِنْدَ اللَّهِ شَيْنٌ»** (ابن فهد حلّی، عدّة الداعی، بی‌تا: ۲۱؛ حلبی، السیرة المحلیّة، ۱۴۲۷: ۱۴۲/۲)؛ سین بلال نزد خداوند، همان شین است. همچنین فرموده‌اند: **«إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْمَىٰ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَىٰ عَجْمِيَّةٍ فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَىٰ عَرَبِيَّةٍ»** (کلینی، الکافی، ۱۳۹۱: ۶۱۹/۲)؛ افراد غیرعرب از امت من، قرآن را با لهجه و زبان غیرعربی [و مادری خویش] قرائت می‌کنند و فرشتگان آن را به زبان عربی [ثبت و ضبط می‌کنند و] بالا می‌برند.

با این ترتیب، در کنار متن واحد قرآن، به تدریج قرائات متعددی شکل گرفت و تا اوائل سده چهارم هجری قمری، همچنان روی به گسترش گذاشت و در بلاد اسلامی به ویژه در مکه، مدینه، بصره، شام، کوفه و بغداد، حوزه‌های تخصصی قرائت رونق و شکوه خاصی یافت و نهایتاً هفت قرائت شاخص و ممتاز و کارآمد در کتاب السبعة، تألیف ارزشمند ابن مجاهد، مقرئ و شیخ القراء بغداد، ثبت و ضبط شد و ماندگار گردید.

#### کارنامه ابن مجاهد و نقش وی در تاریخ علم قرائات

از اواسط سده دوم هجری، قاریان و مُقریان از یکایک مراکز تعلیم و تعلّم قرائات در بلاد اسلامی، به بغداد، مرکز خلافت تازه تأسیس بنی عباس روی آوردند و قرائات رایج در حوزه‌های قرائت شهر و بوم خویش را در آنجا آموزش داده و ترویج کردند (لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۲۵). بدین ترتیب، در سده سوم و قبل از تألیف کتاب السبعة از سوی ابن مجاهد، عملاً از میان انبوه قرائات گوناگون، تنها هفت قرائت - منتسب به پنج شهر بزرگ و مهم از بلاد اسلامی - که از اصالت و انضباط و انسجام خاصی برخوردار بودند، شهرت یافته بودند (سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ۱۴۱۳: ۱۸۴/۲-۱۹۳)؛ قرائت نافع در مدینه، قرائت ابن کثیر در مکه، قرائت ابن عامر در شام، قرائت ابو عمرو بن علاء و شاگردش یعقوب حضرمی در بصره، قرائت عاصم و نیز قرائت حمزه در کوفه رواج داشت.<sup>[۱]</sup>

ابن مجاهد در کتاب خود، «السبعة» از قرائات یادشده، قرائت یعقوب حضرمی را به سبب افول چشمگیر آن نیاورد و به جای آن قرائت کسائی را افزود. همچنین در این کتاب، مراحل تکوین و سیر تحوّل قرائات را از آغاز تا انجام نشان داد. درجات و مراتب ناقلان وجوه مختلف قرائات را متمایز و مشخص گردانید؛ و آراء و دیدگاه‌های قراء بزرگ و مُقریان صاحب‌نام را تبیین کرده و اختلاف و اتفاق آنان را با شرح و بسط کافی تدوین کرد.

ابن مجاهد، با پذیرش این اصل ماندگار که «قرائت سنت است» و قرائات فاقد سند و روایت، بدعت هستند، روش تألیف خود را مانند فقیهان بر روایت و ارائه سلسله اسانید در گزارش هر قرائت قرار داد تا قرائت‌های مشهور از شواذ متمایز گردند و راه بر هرگونه پدید آمدن پریشانی و بی‌نظمی در قرائات قرآنی بسته شود (لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۳۰). همچنین وی، در راستای برخورد با قاریان و مُقریانی همچون ابن شنبوذ و ابن مقسم که خواهان توسع در قرائات و وضع قرائات جدید بودند، نقش مهمی ایفا کرد (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۲: ۱۰۳/۲-۶۰۸).

انتساب قرائات مشهور به تعدّد نزول و تعلیم پیامبر K

در پاسخ به این پرسش که آیا قرائات، همه نازل شده از جانب خداوند هستند و رسول خدا K همه آنها را تعلیم داده‌اند؟ می‌توان به دو نظریه رقیب از دو مکتب مشخص اشاره کرد.

### ۱. تعدّد نزول و تعدد قرائات

دیدگاه مشهور در تاریخ قرائات آن است که بر مبنای حدیث «إِنَّ هَذَا أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَيَّ سَبْعَةَ أَحْرَفٍ فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ»؛ (مالک بن انس، الموطأ، بی‌تا: ۲۰۱/۱)؛ همه قرائات معتبر از تعدّد نزول قرآن کریم و تعلیم و تقریر پیامبر اکرم K نشأت می‌گیرد (فضلی، مقدمه‌ای بر

تاریخ قرائت قرآن کریم، ۱۳۷۳: ۱۱۷-۱۲۵ و ۱۳۳) که در سده سوم و چهارم هجری در قالب قرائت‌های هفت‌گانه و ده‌گانه ثبت و ضبط شده و همه آن‌ها صحیح و قابل اتباع‌اند و غیر آن‌ها، قرائت شاذ به‌شمار می‌آیند و در حوزه مسائل شرعی از جمله قرائت در نماز نباید به آن‌ها اعتنا کرد (موسوی دارابی، *نصوص فی علوم القرآن*، ۱۳۹۳: ۸/۷-۹). برای نمونه، می‌توان به آیه چهارم سوره حمد: «**مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ**» اشاره کرد که به دو شکل «**مَالِكِ**» و «**مَلِكِ**» قرائت و روایت شده و هر دو صحیح است. عاصم و کسایی: «مالک» و دیگر قاریان هفت‌گانه: «**مَلِكِ**» قرائت کرده‌اند، «**وَ قَدْ رَوَى جَمِيعًا عَنِ النَّبِيِّ**» (ابن مجاهد، *السبعة فی القراءات*، ۱۴۰۰: ۱۰۴).

## ۲. نزول واحد و قرائت واحد

قرآن‌شناسی در مکتب اهل بیت<sup>۳</sup> مبتنی بر این مبناست: قرآن مظهر تجلی خدا برای خلق خداست (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۰۷/۸۹) و همه اسماء حسنی الهی در آن جلوه کرده است؛ بنابراین، همان‌طور که خداوند احد و یکتاست، قرآن نیز واحد و یگانه است؛ چنان‌که در آموزه امام محمد باقر<sup>۴</sup> آمده است: «**إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ، نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْإِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ**» (کلینی، الکافی، ۱۳۹۱: ۶۳۰/۲)؛ قرآن متنی واحد و یگانه است که از نزد خدای واحد و یکتا نازل شده است و این روایان‌اند که منشأ هر گونه اختلاف در قرائت قرآنی بوده‌اند. قاریان و مقریانی که به‌سبب اختلاف لهجه و زبان، یا فراموشی و اشتباه، یا تحت تأثیر علم صرف و نحو و دیدگاه‌های خاص کلامی و گاه به‌عنوان مطایبه و نکته‌پردازی یا شاذگرایی در قرائت، قرآن را مختلف خوانده‌اند (لسانی فشارکی، *قراء سبعة و قرائات سبع*، ۱۳۹۱: ۵۸۴-۵۶۲)؛ همچنین در مواردی، قرائتی را که رسول خدا<sup>۵</sup> در مقام ترویج تعلیم و تعلم قرآن آنها را تحسین و تجویز نموده‌اند، «قرآن» پنداشته و به‌عنوان اختلاف قرائت روایت کرده‌اند.

برای نمونه: معمر بن راشد و سعید بن مسیب گزارش کرده‌اند که قرائت رسول خدا<sup>۶</sup> و صحابه، همواره «مالک» بوده است و مروان بن حکم (۶۵ ق) نخستین کسی بود که «**مَلِكِ**» خواند (ابن ابی داود، المصاحف، ۱۴۰۵: ۳۷/۴). ابوداود (۲۷۵ ق) نیز گوید: «**سَمِعْتُ أَحْمَدَ [بْنِ حَنْبَلٍ] يَقُولُ: الْقِرَاءَةُ الْقَدِيمَةُ [مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ] O**» (همان).

فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ به امام جعفر صادق<sup>۷</sup> عرض کرد: مردم می‌گویند، قرآن بر هفت حرف نازل شده است، امام در پاسخ فرمود: «**كُذِّبُوا - أَعْدَاءُ اللَّهِ - وَلِكُنْهَ نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ**» (کلینی، الکافی، ۱۳۹۱: ۶۳۰/۲)؛ دروغ گفته‌اند - دشمنان خدا - بلکه قرآن بر حرف واحد از نزد خدای واحد نازل شده است. ناگفته پیداست، منظور امام<sup>۸</sup> نفی قرائت‌های

گوناگونی است که مردم آن‌ها را به علت فهم اشتباه از حدیث نزول قرآن بر هفت حرف، نازل شده از سوی خداوند و متواتر از پیامبر اکرم ک پنداشته بودند (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸: ۲۲۰؛ رجیبی قدسی، آیین قرائت و کتابت قرآن کریم، ۱۳۹۷: ۱۶۲-۲۱۸).

#### قرائت «ناس»

از نیمه دوم سده یکم هجری و با اوج‌گیری حوزه‌های قرائت در شهرهای مهم اسلامی، در هر منطقه، گروهی از قراء و مقریان، قرائت قرآن را به صورت تخصصی ادامه دادند و به عنوان «امام القراءه» در شهر و دیارشان شناخته شدند و به تدریج قرائت آنان شهرت یافت، ولی مردم از استناد قرائت به نام اشخاص پرهیز داشتند. از قول جاحظ آورده‌اند: **قال النَّخَعِيُّ: «كأنوا يكرهون أن يقال: قراءة عبدالله، وقراءة سالم، وقراءة أبيّ، وقراءة زيد وكأنوا يكرهون أن يقولوا سنة أبي بكر وعمر، بل يقال سنة الله وسنة رسوله، ويقال فلان يقرأ بوجه كذا، وفلان يقرأ بوجه كذا»** (جاحظ، الحيوان، ۱۴۲۴: ۲۲۳/۱).

اصطلاحاتی از قبیل «قراءة الناس» (ابن وهب، الجامع، ۲۰۰۳: ۶۰/۳؛ فراء، معانی القرآن، بی‌تا: ۳۶۶/۱؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۴۱۶: ۱۵۷/۱) و «قراءة العامة» (ابن وهب، الجامع، ۲۰۰۳: ۶۲/۳؛ فراء، معانی القرآن، بی‌تا: ۱۹۰/۱؛ اخفش، معانی القرآن، ۱۴۱۱: ۱۹۸/۱؛ بخاری، صحیح، ۱۴۲۲: ۱۳۵/۴ و ۲۵/۶؛ ابن ابی داود، المصاحف، ۱۴۰۵: ۱۷۴؛ ابن بسطام، المبانی لنظم المعانی، ۱۹۵۴: ۴۷، ۲۲۴-۲۲۵، ۲۳۲؛ ابن شنبه، تاریخ المدینة المنورة، بی‌تا: ۷۱۰/۲؛ ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ۱۴۲۰: ۷۹) به همین لحاظ در ارتباط با قرائت و قاریان به کار گرفته شد تا اصل قرآن همواره از قرائت متمایز باشد؛ چنان‌که بعدها بر همین اساس قاعده «القرآن و القراءات حقیقتان متغایرتان» مطرح و تثبیت گردید (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۴۶۵/۱).

اصطلاح «قرائت ناس» و «قرائت عامه»، نخستین بار از سوی مقریان و تابعان همچون عبیده سلمانی (د ۷۳ ق)، ابو ادريس خولانی (د ۸۰ ق) (ابن شنبه، تاریخ المدینة المنورة، بی‌تا: ۷۰۹/۲-۷۱۰)، ابو عبدالرحمن سلمی (د ۹۴/۷ ق)<sup>۱۲</sup> و عروة بن زبیر (د ۹۴ ق) پیشنهاد و به کار گرفته شد (ابن وهب، الجامع، ۲۰۰۳: ۶۲/۳). عبیده سلمانی از اصحاب امام علی p و ابن مسعود در کوفه، قرائتی را که در آخرین سال عمر پیامبر اکرم ک بر ایشان عرضه شد، همان قرائتی می‌داند که مردم در آن روز می‌خواندند (ابن ابی شیبیه، المصنّف فی الأحادیث و الآثار، ۱۴۰۹: ۱۵۴/۶). سلمی نیز تأکید کرده است، بر این که «قرائت صحابه کبار و قرائت مهاجران

و انصار عیناً یکی بود. آن‌ها همین قرائت عامه را می‌خواندند و قرائت عامه همان قرائت پیامبر اکرم<sup>ص</sup> بود که در آخرین سال عمرشان آن را دوبار بر جبرئیل امین عرضه کرده بودند» (ابوشامه مقدسی، المرشد الوجیز الی علوم تتعلّق بالکتاب العزیز، ۱۴۰۶: ۶۸؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳۳۱/۱).<sup>[۳]</sup>

انمه اهل بیت<sup>ع</sup> نیز بر لزوم پابندی به قرائت همگانی مردم و جمهور مسلمانان تأکید داشتند؛ چنان‌که سالم ابوسلمه گوید: «قَرَأَ رَجُلٌ عَلٰی أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَ أَنَا أَسْمَعُ حُرُوفًا مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلٰی مَا يَقْرَؤُهَا النَّاسُ؛ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَهْ مَهْ! كُفَّ عَن هَذِهِ الْقِرَاءَةِ، إِقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ» (حرّ عاملی، تفصیل و مسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، ۱۴۰۹: ۱۶۲/۶-۱۶۳)؛ مردی نزد امام صادق<sup>ع</sup> قرآن را با حروفی (قرائتی) خواند که با قرائت مردم متفاوت بود، امام فرمود: ادامه نده و از این قرائت خودداری کن. قرآن را همان‌گونه بخوان که مردم می‌خوانند.

خلّاد بن یزید باهلی (د ۲۲۰ ق) به یحیی بن عبداللّه بن مُلّیکه (د ۱۷۳ ق) گفت: نافع قرائت دیگری در کلمه «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ» را از پدرت، از عاتشه امّ المؤمنین نقل می‌کند. یحیی گفت: آن قرائت «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ» غیر از قرائت مردم است و من از خواندن آن خرسند نیستم. اگر فردی غیر از آنچه در میان دو لوح (مصحف) آمده است قرائت کند، یا باید توبه کند، یا به شمشیر گردن نهد. ما قرآن را از اُمّتی آموخته و دریافت کرده‌ایم که آنان از اُمّت قبل از خود، از رسول خدا<sup>ص</sup> از جبرئیل از خداوند بزرگ دریافت کرده‌اند؛ حال، شما می‌گویید: فلان چُلاق از فلان کور برای ما [فلان کلمه را چنین و چنان] حدیث [و قرائت] کرد (ابوشامه مقدسی، المرشد الوجیز الی علوم تتعلّق بالکتاب العزیز، ۱۴۰۶: ۱۸۰). به گفتهٔ قرّاء، کسانی (د ۱۸۹ ق) پس از مدت مدیدی که «یُقَاتِلُونَ» می‌خواند، به قرائت عامه: «یَقْتُلُونَ» (آل‌عمران/ ۲۱) رجوع کرد (قرّاء، معانی القرآن، بی‌تا: ۲۰۲/۱).

بعضی از صاحب‌نظران، به موجب برخی گزارش‌ها، ابتکار ابوالاسود دئلی در اعراب‌گذاری مصحف با نقطه‌های رنگین را نتیجهٔ تعلیم امیرالمؤمنین علی<sup>ع</sup> به او دانسته‌اند (سیرافی، أخبار النحویین البصریین، ۱۳۷۳: ۱۳؛ زبیدی، طبقات النحویین واللغویین، بی‌تا: ۲۱) که در صورت صحّت این اخبار و پذیرش محتوای آنها باید گفت با این اقدام ابوالاسود دئلی، زمینه برای حفظ دقیق و مطمئن قرائت واحد و متواتر قرآن بیش از پیش فراهم شده است (لسانی فشارکی، قرائات قرآن، ۱۳۹۶: ۴۷۱/۱؛ سلطان، القرآن الکریم جمعه و تدوین و ضبط حروفه، ۲۰۱۷: ۲۲۱-۲۸۷).



نسبت قرائات هفتگانه با قرائت متواتر (قرائت ناس)

با تثبیت و شهرت یافتن قرائات هفتگانه در جهان اسلام، این پرسش طرح شده است که چه نسبتی میان این قرائات - که هر یک از آنها نام یکی از مقریان و قاریان معروف در سده دوم هجری را بر خود گرفته اند - با قرائت واحد رسول خدا<sup>ک</sup> که در سده یکم هجری با نام «قرائت ناس» شناخته می شده است، وجود دارد؟

با توجه به فصاحت و وثاقت عاصم کوفی و اسناد قرائت او از طریق ابوعبدالرحمن سلمی<sup>[۴]</sup> به امام علی<sup>ق</sup> (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۷۰) و تصریح عاصم کوفی<sup>[۵]</sup> بر اینکه عین قرائت ابو عبدالرحمن سلمی را به حفص بن سلیمان تعلیم داده و حتی در یک کلمه از قرآن مخالفتی با سلمی نکرده است، همان طور که قرائت سلمی نیز با قرائت علی<sup>ق</sup> مخالفتی نداشته و عیناً آن را انتقال داده است؛<sup>[۶]</sup> امروزه، در نیمه قرن پانزدهم هجری، محققان در زمینه علوم قرآنی، پس از بررسی منابع اولیه و ثانویه علم قرائات، نوعاً به این جمع بندی می رسند که از میان قرائات و روایات مشهور، تنها روایت حفص از عاصم منطبق بر قرائت عامه و قرائت ناس و متن متواتر قرآن از پیامبر اکرم<sup>ک</sup> است (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۳۱/۱-۳۲؛ معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۸، ۲۳۵-۲۴۲؛ لسانی فشارکی، قرائات قرآن، ۱۳۹۶: ۱/۶۶۳-۴۶۷؛ حسینی و ایروانی، بررسی تاریخی قرائت العامة و ارتباط آن با روایت حفص از عاصم، ۱۳۹۴، ۱۵۹-۱۸۶).

بلاغی (۱۳۵۲ ق) در این زمینه آورده است: «از آنجا که قرآن کریم در میان عموم مسلمانان، نسل به نسل به تواتر نقل و قرائت شده است، همه خصوصیات آن به شکل یکسان، حفظ و صیانت شده است؛ هم ماده و حرف و ساختار آن، و هم شکل و نحوه قرائت یکسان و متداول آن. حتی قرائت قراء سبعة و غیر آن نتوانسته است لطمه و آسیبی بر ماده و صورت قرائت متواتر آن وارد سازد. همچنین با وجود روایاتی منسوب به رسول اکرم و برخی از صحابه مبنی بر اختلاف در قرائت آن‌ها، تغییری در قرائت متواتر و اصلی قرآن وارد نشده است. بنابراین، صحیح و پسندیده نیست که کسی از رسم الخط معمول و قرائت متواتر و متداول میان همه نسل‌های مسلمانان به ویژگی‌های سایر قرائت‌ها عدول کند؛ چنان‌که ما از جانب ائمه هدی<sup>ب</sup> مأمور هستیم قرآن را بر طبق قرائت ناس که همان قرائت عامه است، قرائت کنیم» (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۹: ۷۳/۱ - ۷۴). همچنان‌که آیه II **أَوْ نَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** (انعام/ ۱۱۵) نیز ناظر به تغییر ناپذیری و نفی

هرگونه تبدیل در کلمات قرآن است.

گستره روایت حفص از عاصم در بلاد اسلامی

حفص، افزون بر کوفه، در بغداد (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۲: ۶۴/۹) و مکه نیز مدتی قرآن را قراء کرده و آموزش داده است (هدلی، الکامل فی القراءات والأربعین الزائده علیها، ۱۴۲۸: ۷۷). از مقریان خراسان، ابو احمد حسین بن محمد مروزی و عصام بن وضاح سرخسی، قرائت عاصم را از حفص فراگرفتند (ابن جزری، غایة النهایة، ب، بی تا: ۱۳۹/۱، ۲۵۴، ۵۱۲).

ابوعلی حسن بن داود نقر، مقری و نحوی کوفی، از اجماع مردم کوفه بر برتری ابومحمد قاسم بن احمد خیاط تمیمی کوفی (د. پس از ۲۹۰ ق) که یکی از مقریان حاذق در تعلیم قرائت عاصم (به روایت حفص) بوده، خبر داده است (ذهبی، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، ۱۴۱۷: ۱۴۴). همچنین، ابوالعباس احمد بن سهل بن فیروزان/ فیروزان اشنانی (د ۳۰۷ ق) از مقریان «مُجَوِّد»، «نُقَّه» و «صَدُوق» بود که با فراگرفتن قرائت عاصم از شاگرد حفص، عبید بن صباح، به شهرت و جایگاه والایی دست یافت (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۲: ۳۰۰/۵).

در حلقه تعلیم قرآن ابن مجاهد، پانزده تن نابینای مادرزاد حضور داشتند که قرائت عاصم را از او فرا می‌گرفتند (ذهبی، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، ۱۴۱۷: ۱۵۳). همچنین، ابوحفص عمر بن ابراهیم بن احمد بن کثیر کتانی (د ۳۹۰ ق)، مقری و محدث بغدادی، پس از آنکه قرآن (قراءة العامة) را بر ابن مجاهد عرضه کرد، از وی خواست که غیر قرائت عاصم (به روایت حفص) را نیز به او بیاموزد، ولی ابن مجاهد نپذیرفت. ناگزیر، وی قرائت ابن کثیر را نزد ابوعیسی بکار بن احمد بغدادی (د ۳۵۳ ق) فراگرفت (همان: ۲۰۰-۲۰۱).

جغرافی دان و جهانگرد نامدار، ابوعبدالله مقدسی (د ۳۸۱ ق) در پاسخ به اینکه اگر از او پرسیده شود، چرا بر خلاف رهنمود اغلب مشایخ و استادان علوم و پارسایان و تقواییان که قرائت عامه را اختیار کرده‌اند و از تجرید در قرائت نهی نموده‌اند، قرائت ابن عامر را برگزیده است؟ گوید: در سفرها وقتی نزد پیشوایان قرائت و مقریان می‌روم، دوست دارم بر آنان تلاوت کنم و فوائد و نکاتی را از ایشان دریافت کنم، ولی هرگاه قرائت جایز (قرائت رایج و قرائت عامه) را می‌خوانم، پیشنهاد شاگردی مرا به خرج برنمی‌دارند و مرا نزد شاگردان خود می‌فرستند؛ همین‌که به تجرید روی می‌آورم (و یکی از قرائات مثلاً قرائت ابن عامر را می‌خوانم)، مرا به شاگردی می‌پذیرند و از من به گرمی استقبال می‌کنند (مقدسی، أحسن

التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ۱۴۱۱: ۱۴۴).

این گزارش بسیار ارزنده مقدسی، گویای آن است که در محافل قاریان و مقریان، شاگردان ابتدا قرائت عامه را فرامی گرفته و سپس قرائات را می آموخته اند و مهارت در قرائات نشانه تخصص آنان در حوزه علم قرائات تلقی می شده است. به عبارت دیگر، فراگیری کامل قرائت عامه، پیش نیاز آموزش اختلاف قرائات و کسب تخصص در آن ها بوده است. چنان که در شرح حال برخی عالمان آمده است: «کان یدرس القرآن و القراءات» (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۲: ۳۱۶/۸) یا «کان یحفظ القرآن و القراءات» (همان: ۴۶۳/۱۳) «قرأ علیه القرآن و القراءات» (ابن کثیر، طبقات الشافعیین، ۱۴۱۳: ۸۳۳؛ ابن نقطه حنبلی، التقیید لمعرفة رواة السنن و المسانید، ۱۴۰۸: ۱۱۵).

ابن حزم اندلسی (د ۴۵۶ ق)، فقیه، محدث، فیلسوف، عالم ادیان و مذاهب، شاعر و ادیب پرکار، دیدگاه کسانی که مصحف ابن مسعود را مخالف مصحف رابع در جهان اسلام می پندارند، کذب و افک دانسته و آورده است: «در مصحف ابن مسعود همان قرائت مشهور میان اهل اسلام که در شرق و غرب دنیا به قرائت [حفص از] عاصم نامبردار شده و نازل شده از جانب خداست و ما آن را در کنار دیگر قرائات قرائت می کنیم، ثبت و ضبط بوده است» (ابن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، بی تا: ۶۵/۲).

ابوالحسن ثابت بن اسلم بن عبد الوهّاب حلبی (د ۴۶۰ ق)، از فقیهان امامیه و از کبار نحاة در حلب، کتابی در «تعلیل [توجیه و تبیین] قراءه عاصم» نگاشته و آن را قرائت قریش دانسته است (ذهبی، تاریخ الإسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام، ۲۰۰۳ م: ۱۲۷/۱۰).

شمس الدین ذهبی (۷۴۸د)، محدث، مورخ، رجال شناس و صاحب دانشنامه بزرگ معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار که در آن زندگینامه ۷۳۴ قاری و مقری بزرگ را تا زمان خود در ۱۸ طبقه آورده است، قرائت عاصم به روایت حفص را «عالی» ترین «طریق» برای دریافت و تعلیم قرآن می داند (همو، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الأعصار، ۱۴۱۷: ۵۴؛ نیز نک: ابوحیان غرناطی اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۲۲/۱-۲۳).

طاهر بن عرب بن ابراهیم بن احمد اصفهانی (۷۸۶- زنده در ۸۵۷ ق)، از شاگردان برجسته ابن جزری که در ۱۰ سالگی قرآن را حفظ کرده و در دارالقرآن شیراز قرائات را از ابن جزری فرا گرفته و در غیاب او بر مسند إقراء می نشسته است (ابن جزری، غایة النهایة، ب، بی تا: ۳۳۹/۱-۳۴۱)، در کتاب «منهل العطشان فی رسم احرف القرآن» - که آن را با هدف

پیش‌گیری از ورود اغلاط به رسم الخط قرآن و تصحیح مصاحف زمان خود بر پایه منابع علم رسم المصحف تدوین کرده و به پادشاه تیموریان، شاه‌رخ تیموری (۷۷۹-۸۵۰ ق) همسر گوه‌رشاد خاتون تقدیم کرده است. به رواج قرائت عاصم به هر دو روایت حفص و ابو بکر بن عیاش در ممالک عجم (غیر عرب به‌ویژه ایران آن زمان) تصریح کرده است (ابن عرب اصفهانی، منهل العطشان فی رسم احرف القرآن، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

ثبت اختلاف قرائت حفص و ابو بکر در دو رساله آموزشی: «رسالة فی کتابة المصحف» تألیف یکی از شاگردان ابن جزری (د ۸۳۳ق) و «قواعد القرآن»، یار محمد خداداد سمرقندی نیز، نشانه رواج این دو قرائت به موازات یکدیگر در ایران است.

محمد المرعشی (د ۱۱۵۰ ق) روایت حفص از عاصم را قرائت رایج در دیار خود، مرز میان شام و روم (سمعانی، الأنساب، ۱۳۸۲: ۱۹۱/۱۲) گزارش کرده است (حمّد، محاضرات فی علوم القرآن، ۱۴۲۳: ۱۵۰؛ نیز مقایسه کنید با: مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ۱۴۱۱: ۹۷ و ۱۸۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۱۴۱۵: ۴۹/۶؛ ابن جزری، غایة النهایة، ب، بی تا: ۲۹۲/۱؛ همو، النشر فی القراءات العشر، الف، بی تا: ۲۶۴/۲).

بنابراین، گزارش رواج یک قرائت از قرائت، به معنای نبود رواج قرائت متواتر (روایت حفص از عاصم) در میان مردم آن منطقه نبوده و نیست؛ مقدسی (د ۳۸۱ ق) به کاربرد قرائت ابو عمرو بصری در یمن پس از قرائت عاصم و کاربرد قرائت ابو عمرو بصری در جزیره العرب (مقدسی، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ۱۴۱۱: ۹۷) و منطقه شام به جز دمشق که مختار آنان قرائت ابن عامر است اشاره کرده و گفته است، قرائت کسائی نیز در اقلیم شام به تدریج در حال گسترش است. البته دیگر قرائت سبع نیز مورد توجه آنان است و در ضبط و حفظ آنها نیز می‌کوشند (همان: ۱۸۰). چنان‌که ابوالحسن احمد بن ابی‌رجاء (د ۲۹۲ ق)، مقری و مؤدب در دمشق، قرآن را به دو قرائت عاصم (به روایت ابو بکر بن عیاش) و ابن عامر فرا گرفته بود (ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۱۴۱۵: ۴۹/۶). ابو حیان اندلسی (د ۷۴۵ ق) یادآور شده است که در غرناطه، در مکتب، نخست قرائت نافع به روایت ورش را می‌آموختند، همان‌طور که در عراق، ابتدا قرائت عاصم را. با این حال، او قرائت عاصم را به سبب کمتر بودن واسطه‌ها تا رسول خدا، دارای اسنادی عالی برای امثال خود می‌داند (ابو حیان غرناطی اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۲۲/۱-۲۳). ابن جزری (د ۸۳۳ ق)، قرائت مردم در شام، حجاز، یمن و مصر را قرائت ابو عمرو یاد کرده است. شامیان تا حدود ۵۰۰ ق بر قرائت ابن عامر بودند تا اینکه شخصی از عراق به شام آمد و قرائت ابو عمرو را در جامع اموی به بسیاری از مردم آموزش داد (ابن جزری، غایة النهایة، بی تا: ۲۹۲/۱؛ و نک: همو، النشر فی القراءات العشر،

الف، بی تا: ۲/۲۶۴؛ پاکتچی، تاریخ علوم قرآن و حدیث در ایران، ۱۳۹۴: ۱۴/۱۹۵-۲۲۸).

در گزارش‌هایی که از قرائت عامّه ثبت شده است، مواردی با روایت حفص از عاصم مخالفت دارد. برای نمونه، در «معانی القرآن فَرَاء»، ۹۰ مرتبه به «قراءة العامه»، «قراءة العوام» و «قراءة الناس» استشهد شده است که ۱۶ مورد آن با روایت حفص از عاصم تفاوت دارند. با توجه به اینکه فَرَاء، معانی القرآن را به‌عنوان تفسیر در سه‌شنبه‌ها و جمعه‌های ماه رمضان در سال‌های ۲۰۲ تا ۲۰۴ ق، در کوفه و از «حفظ» املا می‌کرده و تدوین آن را شاگردش محمد بن جهم سَمَری (۲۷۸ق) به عهده گرفته بوده است، آیا می‌توان این ۱۶ مورد را نشئت گرفته از سهو فَرَاء یا تدوین‌کننده سخنان او دانست؟ هرچند این احتمال بعید نیست، ولی با توجه به اینکه در منابع دیگر نیز گاه قرائت‌هایی که مخالف قرائت حفص اند و به قرائت عامّه نسبت داده شده‌اند، بهتر است بگوئیم قرائت عاصم به روایت حفص، همان قرائت عامّه است؛ اما به شکل تخصصی به لحاظ ادا و اظهار و اصلاح مواردی که به اشتباه میان برخی از عامّه وجود داشته است. برای مثال، گزارش شده که مردم آیه **إِبْلِ عَجِبْتُ وَ يَسْخُرُونَ** (صافات/ ۱۲) را هم با نصب تاء (**عَجِبْتُ**) و هم با رفع آن (**عَجِبْتُ**) می‌خوانند (فَرَاء، معانی القرآن، بی تا: ۳۸۴/۲)؛ از آنجا که فقط حمزه و کسائی «**بِلْ عَجِبْتُ**» خوانده‌اند (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۵۴۷)، می‌توان گفت برخی مردم کوفه تحت تأثیر قرائت حمزه، آیه را با رفع تاء قرائت کرده‌اند؛ در حالی که قرائت درست: «**عَجِبْتُ**» بوده است.

با این حال و با توجه به موارد اشتراک قرائات مشهور هفتگانه (و حتی دهگانه)، این قرائات در واقع همان قرآن واحد و قرائت متواتر است (فیض کاشانی، الصافی فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۶۲/۱). قرآء سبعة نزدیک به ۹۸ درصد کلمات قرآن را یکسان قرائت کرده‌اند و فقط ۱۷۴۱ کلمه از ۷۷۸۰۷ کلمه قرآن یعنی ۲/۲۳ درصد را مختلف خوانده‌اند (لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۱۶۶-۵۵۷) که بیشتر آنها ناشی از اختلاف لهجه است؛ مانند قرائت «**كُفُّوْا**» به سه شکل: «**كُفُّوْا**»، «**كُفُّوْا**» و «**كُفُّوْا**» (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۷۰۲-۷۰۱). همچنین، در قرائت عاصم به روایت حفص، فقط ۵۲ کلمه (با تکرار ۸۲ کلمه) منحصر به فرد است و در بقیه کلمات قرآن، روایت حفص از قرائت عاصم دست‌کم با یکی از قرائت قاریان هفت‌گانه مشترک است (جلیلیان و زاهدی‌فر، بررسی شخصیت عاصم و متفردات او به روایت حفص، ۱۳۹۵؛ مقایسه شود با، لسانی فشارکی، قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۵۷۷). نتیجه آنکه «خویشاوندی چهارده روایت مشهور قرائات قرآنی، آنچنان پیوسته و

نزدیک است که به درستی می توان مجموع آنها را تفصیل و فرش الحروف گسترده یک قرائت واحد تلقی کرد» (لسانی فشارکی، قراء سبعه و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۱۳).

ابن قتیبه (۲۷۶د ق) با بررسی همه جانبه قرائات، اختلاف آنها را از نوع «تضاد» و «تناقض» نمی بیند که مثلاً یکی امر کند و دیگری همان را نهی؛ بلکه با بررسی وجوه اختلاف قرائات که آنها را در هفت وجه بر شمرده است، درمی یابد اختلاف قرائات از نوع «تغایر» و تنوع در تعبیر؛ و «اتحاد» و انسجام در معنا است (ابن قتیبه دینوری، تأویل مشکل القرآن، بی تا: ۳۳). همچنین، شایان ذکر است، اختلاف قرائات سبع که موجب اختلاف تفسیر می شود کمتر از ۳۰ مورد و آنچه سبب تفاوت در استنباط فقهی می شود، فقط چهار مورد است (لسانی فشارکی، قراء سبعه و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۵۸۳-۵۸۶).

#### نتیجه

۱. با همت بی نظیر پیامبر اکرم<sup>ک</sup> و اجرای آموزش قرآن به شیوه اقرء، همزمان با رحلت نبی مکرم<sup>ک</sup>، متن صوتی کلام الله در قلب و ذهن بسیاری از مردم حمل و ضبط شده و قرآنت قرآن مشخص و معین بود. از آنجاکه مردم، دارای لهجه و گویش های متفاوتی بودند، همپای تعلیم و ترویج متن متواتر قرآن، به تدریج اختلاف قرائات نیز شکل گرفت و از نیمه دوم سده یکم هجری و با اوج گیری حوزه های تخصصی قرائات در شهرهای مهم اسلامی، اصطلاح «قرآنت ناس» و «قرآنت عامه» ناظر به متن واحد قرآن شکل گرفت تا قرآن از قرائات متمایز باشد؛ قرائاتی که افزون بر تأثیر پذیری از تفاوت لهجه ها و گویش ها، تحت تأثیر دانش صرف و نحو و دیدگاه های خاص کلامی قاریان بود و گاه قاری به عنوان مطایبه و نکته پردازی یا شاذگرایی در قرائت، مختلف خوانده بود. پس از سده دوم و با شهرت یافتن قرائت قاریان هفتگانه و تثبیت قرائات آنها، به سبب انطباق کامل قرائت عاصم به روایت حفص با قرائت ناس (مردم)، این قرائت عین قرآن و متواتر از پیامبر اکرم<sup>ک</sup> شناخته می شده است.

۲. علت انطباق کامل روایت حفص از عاصم - یکی از چهارده روایت مشهور قرائات قرآن - با قرائت ناس یا قرائت عامه، آن است که عاصم کوفی شاگرد خود، حفص بن سلیمان را به انحصار در تعلیم و اقرء قرائت عامه یا عامه القرآن ملزم گردانید و به او اجازه روایت هیچ قرائتی را نداد.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] قبل از ابن مجاهد، در فاصله سال‌های ۲۰۰ تا ۳۰۰ هجری ابوعبید قاسم بن سلّام، احمد بن جبیر انطاکی، اسماعیل بن اسحاق مالکی، ابن جریر طبری و ابوبکر محمد بن احمد داجونی قرائت را گرد آورده بودند، ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، الف، بی‌تا: ۴۶/۱.
- [۲] شاه‌پسند و دیگران، پژوهشی پیرامون ابوعبدالرحمن سلمی و شخصیت رجالی وی، ۱۳۹۴: ۱۷۶-۱۷۷، سال ۹۴ را ترجیح داده‌اند.
- [۳] ابوعبدالرحمن سلمی پس از یادگیری قرائت علی<sup>ق</sup>، آن را در موسم حجّ بر زید بن ثابت عرضه کرد، قرائت آن دو را در یک حرف متفاوت دید: قرائت علی<sup>ق</sup>، «التابوت» و قرائت زید، «التابوه» بود؛ ابوعمر و دانی، جامع البیان فی القراءات السبع، ۱۴۲۸: ۲۵۹/۱، گفتنی است، با توجه به رسم المصحف، این یک مورد اختلاف نیز نمی‌تواند قابل اعتنا باشد.
- [۴] وی از مُقریان بزرگ کوفه بود که قرآن را از پدرش ابوعبدالله حبیب بن زُبَیْعَه، صحابی رسول خدا و حضرت علی<sup>ق</sup> آموخته (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۲۱۲/۶-۲۱۳) و بر ابن مسعود، زید بن ثابت، ابی بن کعب و عثمان بن عفّان عرضه کرده بود (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۶۸؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱۴۰۵: ۲۷۱/۴). پس از آنکه عثمان ابن مسعود را به مدینه احضار کرد، ابوعبدالرحمن سلمی که ساکن مدینه بود به کوفه رفت تا جانشین ابن مسعود در امر تعلیم قرآن گردد. سلمی با اینکه در اندک مواردی اختیارات و «حروفی» در قرائت قرآنی داشت (ابن جزری، غایة النهایة، ب، بی‌تا: ۳۴۲/۲)، سالیان سال در کوفه فقط به إقراء متن متواتر قرآن مبادرت ورزید و از آموزش و ترویج قرائت‌های مختلف و قرائت‌های تصریفی و ناهمگون با قرائت ناس و رسم المصحف پرهیز کرد (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۶۷: ۱۴۰۰). سلمی که اذعان می‌کند، هیچ‌کس را از علی<sup>ع</sup>، قرآن‌خوان‌تر و داناتر به قرآن ندیده است (ابن عبدالبرّ، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ۱۴۱۲: ۱۱۰۹/۳) و از این رو، بارها قرآن را بر آن حضرت عرضه کرده بود، گوید: «مصحف را به دست می‌گرفتم و علی<sup>ع</sup> [قرآنت می‌کرد]. عرضه قرائت میان او و امام حسن<sup>ق</sup> و امام حسین<sup>ق</sup> نیز انجام شده است. وی در مسجد اعظم کوفه، بیش از چهل سال با عشق و علاقه‌ای وافر به إقراء و تعلیم «عامّة القرآن» و «قراءة العامّة» ادامه داد (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۶۸). وی از پذیرش هدیه در برابر تعلیم قرآن به کودکان خودداری می‌کرد. همچنین، وی ۲۰ آیه در صبح و ۲۰ آیه در عصر إقراء می‌کرد و با استناد به سیره مرضیه پیامبر اکرم، ۲۰ آیه را در قالب

بسته‌های پنج‌آیه‌ای (پنج‌آیه پنج‌آیه) آموزش می‌داد و بر مواضع تعشیر و تخمیس (پایان هر ده آیه و هر پنج آیه) تأکید داشت (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۲۱۲/۶). پس از درگذشت سلمی، شاگرد او عاصم بن ابی النجود از مهم‌ترین معلّمان و مُقریان قرآن در کوفه بود که حوزهٔ إقراء و قرائتش بیش از ۳۵ سال ادامه یافت.

[۵] ابو بکر عاصم بن ابی النّجود اسدی کوفی از تابعان و از قراء سبعة، قرآن (قرائت عامّه) را از مُقری بزرگ آن شهر، ابو عبدالرحمن سلمی فرا می‌گرفت و بر زرّ بن حُبیش (د ۸۳ ق) عرضه می‌کرد (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۷۰). افراد بسیاری که قابل احصا نیستند، قرآن را از عاصم فراگرفتند. او با سفر به بصره، قرائت عامّه را در آنجا نیز مدّتی إقراء کرده است (ابن مهران نیشابوری، المبسوط فی القراءات العشر، ۱۹۸۱: ۷۸). رجال‌شناسان، عاصم را با تعبیری همچون «كَانَ صَاحِبَ سُنَّةٍ وَقِرَاءَةٍ، وَكَانَ ثِقَّةً رَأْسًا فِي الْقُرْآنِ» (عجلی، تاریخ الثقات، ۱۴۰۵: ۲۴۰)، «ذَا أَدَبٍ وَنُسُكٍ»، «كَانَ عَابِدًا خَيْرًا أَبَدًا» و «ثِقَّةً رَجُلًا صَالِحًا خَيْرًا» ستوده‌اند (ابن شاهین، تاریخ أسماء الثقات، ۱۴۰۴: ۱۵۰). عاصم به پیروی از سنت حسنهٔ استادش، ابو عبدالرحمن سلمی، برای تعلیم قرآن ابتدا از بازاریان می‌آغازید تا از کسب و کار باز نمانند (فسوی، المعرفة والتاریخ، ۱۴۰۱: ۵۸۹/۲). قرائت عاصم را که در زمانهٔ خود سرآمد قاریان و بسیار قرآن‌خوان بود، فصیح و متقن گزارش کرده‌اند. ابواسحاق سبّعی (د ۱۳۲ ق) تأکید کرده است که از قاریان، فصیحان و عالمان به نحو، فردی قرآن‌خوان‌تر از عاصم ندیده (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۷۰)؛ و رقیبه بن مسقله، عاصم را «أَقْرَأُ النَّاسِ لِقِرَاءَةِ عَلِيٍّ» که همان قرائت عامّه است، دانسته است (هذلی، الکامل فی القراءات والأربعین الزائده علیها، ۱۴۲۸: ۷۶). گفته‌اند، وقتی به قرائتش گوش می‌دادی، در صدایش «جَلالٌ» وجود داشت، یعنی قرائتش مُفَحّم و پرطنین بود و ارتعاش و انعکاس خاصی در گوش مستمعان داشت. قرائت او را همراه مدّ، «تَنْطَعٌ»، «سَدِيدَةٌ» و «قَبَائِطِي» توصیف کرده‌اند (ابوعمر و دانی، جامع البیان فی القراءات السبع، ۱۴۲۸: ۱۹۵/۱)؛ یعنی قرائت عاصم، محکم و استوار (بدون اِماله)، سهل و آسان، روشن و واضح و زیبا و شیوا (بدون ادغام‌های اضافی و با تحقیق همزه) و مطلوب همگان بود (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ۱۳۷۶: ۳۲۱/۱).

در تاریخ قرائات، حفص بن سلیمان بَرّاز اسدی غاضری کوفی (د ۱۸۰ ق) و ابو بکر شعبه بن عیّاش (د ۱۹۳ ق)، دو راوی مشهور قرائت عاصم‌اند. روایت این دو از قرائت عاصم یکی نیست (ابن قتیبّه، المعارف، ۱۹۹۲: ۵۳۰) و در ۴۱۰ کلمه اختلاف دارند (لسانی فشارکی،



قراء سبعة و قرائات سبع، ۱۳۹۱: ۱۶۹-۵۷۷). علّت عمده اختلاف آن دو در نقل قرائت عاصم، این بوده که عاصم دارای دو قرائت متفاوت بوده است. عاصم به حفص گفت: «قرائتی را که به تو آموختم از ابوعبدالرحمن سلمی فراگرفته‌ام و او از علی بن ابیطالب (پ) فراگرفته است؛ و قرائتی را که بر زرّ بن حبیش عرضه کرده‌ام و او از ابن مسعود آموخته است، به ابوبکر بن عیاش إقراء و تعلیم دادم» (ابوعمر و دانی، جامع البیان فی القراءات السبع، ۱۴۲۸: ۲۶۱/۱). بنابراین، گزارش ابن مجاهد که «اهل کوفه از بین کسانی که قرائت عاصم را می‌خواندند، فقط به ابوبکر بن عیاش رجوع می‌کردند» (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ۱۴۰۰: ۷۱)، اشاره به همین مطلب دارد که بهترین و مطمئن‌ترین طریق دریافت قرائت اختصاصی عاصم که با قرائت متواتر در ۴۱۰ کلمه تفاوت دارد، روایت ابوبکر شعبه بن عیاش است؛ زیرا، قرائت عاصم به روایت حفص، همان قرائت عامّه است که قاطبه مردم آن را می‌شناسند. با برآمدن حمزه در کوفه و با اینکه برخی به قرائت او انتقاد داشتند؛ اما قرائتش، قرائت غالب در حوزه‌های تخصصی قرائات در کوفه تا زمان تألیف السبعة گردید و از رواج روایت ابوبکر بن عیاش از عاصم کاسته شد (همان: ۷۱-۷۷). بنابه گزارش ابن منادی، علمای سلف، حفص را در حفظ و دقت نقل قرائت عاصم بر ابوبکر بن عیاش ترجیح می‌داده‌اند (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، الف، بی‌تا: ۱۵۶/۱). همچنین، یحیی بن معین (د ۲۳۳ ق)، محدث و رجال‌شناس مشهور، قرائت حفص را تنها روایت صحیح از قرائت عاصم دانسته است (ابوعمر و دانی، جامع البیان فی القراءات السبع، ۱۴۲۸: ۲۰۲/۱).

[۶] وقال عاصم: «ما خالفتُ أبا عبدالرحمن السلمی فی شیءٍ مِنَ القرآنِ، وقال أبو عبدالرحمن: ما خالفتُ علیاً (پ) فی شیءٍ مِنَ القرآنِ» (ابن مهران نیشابوری، المبسوط فی القراءات العشر، ۱۹۸۱: ۵۶؛ قیاس شود با، قراء، معانی القرآن، بی‌تا: ۳۶/۳).

## منابع

١. قرآن كريم، به خط حبيب الله فضانلى، سروش، تهران: ١٣٧٤ ش.
٢. ابن ابى داود، عبد الله، المصاحف، دارالكتب العلمية، بيروت: ١٤٠٥ ق/ ١٩٨٥ م.
٣. ابن ابى شيبه، عبدالله بن محمد، المصنّف فى الأحاديث و الآثار، تحقيق: كمال يوسف الحوت، مكتبة الرشد، رياض: ١٤٠٩ ق.
٤. ابن ابى عاصم، احمد بن عمرو شيبانى، الأحاد و المثانى، تحقيق: فيصل احمد الجوابره، دار الدرايه، بى تا.
٥. ابن بادش، احمد بن على، الاقناع فى القراءات السبع، دار الصحابة للتراث، ١٤١١ ق/ ١٩٩١ م.
٦. ابن بسطام طحيرى، حامد بن احمد، المبانى لنظم المعانى، تصحيح: آرتور جفرى، چاپ شده در كتاب: مقدّمات فى علوم القرآن، مكتبة الخانجى، ١٩٥٤ م.
٧. ابن جزرى، محمّد، منجد المقرئين و مرشد الطالبين، دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ ق/ ١٩٩٩ م.
٨. —، النشر فى القراءات العشر، تحقيق: على محمد الضباع، المطبعة التجارية الكبرى، الف، بى تا.
٩. — غاية النهاية فى طبقات القراء، تحقيق: برگستراسر، مكتبة ابن تيميه، ب، بى تا.
١٠. ابن جنّى، عثمان، المحتسب فى تبيين وجوه شواذ القراءات والإيضاح عنها، وزارة الأوقاف المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، ١٤٢٠ ق/ ١٩٩٩ م.
١١. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، لسان الميزان، تحقيق: دائرة المعارف النظامية هند، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بيروت: ١٣٩٠ ق/ ١٩٧١ م.
١٢. ابن حزم اندلسى، ابو محمد على بن أحمد، الفصل فى الملل والاهواء والنحل، مكتبة الخانجى، قاهره: بى تا.
١٣. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبد القادر عطاء، دارالكتب العلمية، بيروت: ١٤١٠ ق/ ١٩٩٠ م.
١٤. ابن شاهين، ابو حفص عمر بن احمد، تاريخ أسماء الثقات، تحقيق: صبحى سامرائى، الدار السلفية، كويت: ١٤٠٤ ق/ ١٩٨٤ م.
١٥. ابن سبّيه، عمر، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق: فهيم محمد شلتوت، بى تا.
١٦. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل ابى طالب، تحقيق: لجنة من اساتذة النجف، المكتبة الحيدريه، نجف اشرف: ١٣٧٦ ق/ ١٩٥٦ م.
١٧. ابن عبد البرّ، يوسف بن عبدالله قرطبى، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد البجاوى، دار الجيل، بيروت: ١٤١٢ ق/ ١٩٩٢ م.

۱۸. ابن عرب اصفهانی، طاهر، منهل العطشان فی رسم احرف القرآن، تصحیح: سیدحسین مرعشی، گنجینه بهارستان ۱۵ (علوم قرآنی و روایی ۳)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ ش.
۱۹. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: محب‌الدین ابوسعید عمرو بن غرامة عمروی، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵ م.
۲۰. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدّة الداعی، تحقیق: احمد مؤحدی قمی، مکتبة الوجدانی، قم: بی تا.
۲۱. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق: ثروت عکاشة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره: ۱۹۹۲ م.
۲۲. — تأویل مشکل القرآن، تحقیق: ابراهیم شمس‌الدین، دار الکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۲۳. ابن کثیر، اسماعیل، طبقات الشافعیین، تحقیق: احمد عمر هاشم، محمد زینهم و محمد عزب، مکتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م.
۲۴. ابن مجاهد، احمد بن موسی، السبعة فی القراءات، تحقیق: شوقی ضیف، دار المعارف، قاهره: ۱۴۰۰ ق.
۲۵. ابن مهران نیشابوری، ابوبکر احمد بن حسین، المسوط فی القراءات العشر، تحقیق: سبيع حمزة حاکیمی، مجمع اللغة العربية، دمشق: ۱۹۸۱ م.
۲۶. ابن نقطه حنبلی، محمد، التقييد لمعرفة رواة السنن و المسانيد، تحقیق: کمال یوسف الحوت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م.
۲۷. ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبویة، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتاب العربی، بیروت: ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.
۲۸. ابن وهب، عبدالله، الجامع، بروایة سحنون بن سعید (د ۲۴۰ ق)، تحقیق: میکوش مَورانی، دارالغرب الاسلامی، بیروت: ۲۰۰۳ م.
۲۹. ابوحنّان غرناطی اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، دار الفکر، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۳۰. ابوداؤد سجستانی، سلیمان بن اشعث (د ۲۷۵ ق)، سنن، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، دار احیاء السنة النبویه، بی تا.
۳۱. ابوشامه مقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز الی علوم تتعلّق بالکتاب العزیز، تحقیق: طیار آلتی قولاج، انقره، دار وقف الديانة التركي للطباعة والنشر، ۱۴۰۶ ق/ ۱۹۸۶ م.
۳۲. ابوعمرو دانی، جامع البیان فی القراءات السبع، جامعة الشارقة، امارات متحدة عربی: ۱۴۲۸ ق/ ۲۰۰۷ م.

٣٣. احمد بن حنبل، مسند، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد وآخرون، إشراف: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق/٢٠٠١ م.
٣٤. اخفش اوسط، ابوالحسن مجاشعي، معاني القرآن، تحقيق: هدى محمود قراعه، مكتبة الخانجي، قاهره: ١٤١١ق/ ١٩٩٠ م.
٣٥. بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح (الجامع المسند الصحيح المختصر من امور رسول الله وسننه وايامه)، تحقيق: محمدزهير بن ناصرالناصر، دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
٣٦. بلاذري، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكّار ورياض زركلي، دار الفكر، بيروت: ١٤١٧ق/١٩٩٦ م.
٣٧. بلاغي، محمدجواد، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، مؤسسة البعثة، قم: ١٤١٩ق/١٣٧٨ش.
٣٨. پاكتنجى، احمد، «تاريخ علوم قرآن و حديث در ايران»، تاريخ جامع ايران، ج ١٤، زير نظر: كاظم موسوى بجنوردى، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى، تهران: ١٣٩٤ ش.
٣٩. جاحظ، عمرو بن بحر، الحيوان، دار الكتب العلمية، بيروت: ١٤٢٤ق.
٤٠. جليليان، حميد و سيف على زاهدى فر، «بررسى شخصيت عاصم و متفردات او به روايت حفص»، مطالعات قرآنت قرآن، شماره ٦، ١٣٩٥.
٤١. حافظ، محمد مطيع، القراءات و كبار القراء في دمشق (من القرن الاول الهجرى حتى العصر الحاضر)، دارالفكر، دمشق: ١٤٢٤ق/٢٠٠٣ م.
٤٢. حرّ عاملى، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: ١٤٠٩ق.
٤٣. حسيني، بى بى زينب؛ ايروانى، مرتضى، «بررسى تاريخى قرآنت العامة و ارتباط آن با روايت حفص از عاصم»، مطالعات قرآن و حديث، شماره ١٦، ١٣٩٤.
٤٤. حلبى، على بن برهان، السيرة الحلبية (انسان العيون فى سيرة الامين المأمون)، دار الكتب العلمية، بيروت: ١٤٢٧ق.
٤٥. حمد، غانم قّدورى، محاضرات فى علوم القرآن، دارعمار للنشر والتوزيع، عمان: ١٤٢٣ق/٢٠٠٣ م.
٤٦. خداداد سمرقندى، يارمحمد، قواعد القرآن، تصحيح: بيژن كرمى، گنجينه بهارستان ١٨ (علوم قرآنى و رواى ٤)، كتابخانه موزه و مركز اسناد مجلس شورى اسلامى، تهران: ١٣٨٩ ش.
٤٧. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على، تاريخ بغداد، تحقيق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامى، بيروت: ١٤٢٢ق/٢٠٠٢ م.
٤٨. دارمى، عبدالله بن عبدالرحمن، سنن/مسند، تحقيق: نبيل هاشم الغمرى، دار البشائر، بيروت: ١٤٣٤ق/٢٠١٣ م.

۴۹. ذهبی، شمس الدین، سیر أعلام النبلاء، تحقیق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.
۵۰. —، معرفة القراء الكبار على الطبقات والأعصار، محقق: ابو عبد الله محمد حسن محمد حسن اسماعيل شافعي، دار الكتب العلمية، بيروت: ۱۴۱۷.
۵۱. —، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي، ۲۰۰۳ م.
۵۲. رجبی قدسی، محسن، آیین قرآنت و کتابت قرآن کریم، بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۷ ش.
۵۳. —، تاریخ کتابت قرآن و قرآنت (تاریخ قرآن)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۸.
۵۴. رساله فی کتابة المصحف، تصحیح: محمدرضا شهیدی پور و حجت الله بیاتانی، گنجینه بهارستان ۱۵ (علوم قرآنی و روای ۳)، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران: ۱۳۸۵ ش.
۵۵. زبیدی اندلسی، ابوبکر محمد بن حسن، طبقات النحویین و اللغویین، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالمعارف، بی تا.
۵۶. زرکشی، بدرالدین محمد، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۴ م.
۵۷. سخاوی، علم الدین ابوالحسن علی بن محمد، جمال القراء و کمال الإقراء، تحقیق: عبدالکریم الزبیدی، دارالبلاغه، بیروت: ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م.
۵۸. سلطان، مهدی صالح، القرآن الکریم جمعه و تدوین و ضبط حروفه، دار و مکتبه عدنان، بغداد: ۲۰۱۷ م.
۵۹. سمعانی مروزی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و غیره، مجلس دائرة المعارف العثمانية، حیدرآباد: ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م.
۶۰. سیرافی، ابوسعید حسن بن عبدالله بن مرزبان، أخبار النحویین البصریین، تحقیق: طه محمد الزینی و محمد عبدالمنعم خفاجی، مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۷۳ ق/ ۱۹۶۶ م.
۶۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: مصطفى ديب البغاء، دار ابن کثیر، دمشق - بیروت: ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.
۶۲. شاه پسند، الهه و دیگران، «پژوهشی پیرامون ابو عبدالرحمن سلمی و شخصیت رجالی وی»، کتاب قیم، شماره ۱۲، ۱۳۹۴ ش.
۶۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، تحقیق: أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ ق/ ۲۰۰۰ م.
۶۴. طیب، سید عبد الحسین، اظیاب البیان فی تفسیر القرآن، کتابفروشی اسلامی، تهران: بی تا.

۶۵. عجلی، ابو الحسن احمد بن عبد الله كوفی، تاريخ الثقات، دار الباز، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۴ م.
۶۶. فانی اصفهانی، سیدعلی، آراء حول القرآن، دارالهادی، بیروت: ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م.
۶۷. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، تحقیق: احمد یوسف نجاتی و دیگران، دارالمصریه، مصر: بی تا.
۶۸. فسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان، المعرفة و التاريخ، تحقیق: اکرم ضیاء العمری، مؤسسة الرساله، بیروت: ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م.
۶۹. فضلی، عبدالهادی، مقدمه ای بر تاریخ قرائن قرآن کریم، ترجمه: سید محمد باقر حجّتی، اسوه، تهران: ۱۳۷۳.
۷۰. فیض کاشانی، مولی محسن/ محمد بن مرتضی، الصافی فی تفسیر القرآن، تحقیق: حسین اعلمی، انتشارات صدر، تهران: ۱۴۱۵ ق.
۷۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۹۱ ق.
۷۲. لسانی فشارکی، محمد علی، قراء سبعة و قرائن سبع (گزارش، بررسی، مقایسه، آموزش و پژوهش)، اسوه، تهران: ۱۳۹۱ ش.
۷۳. —، «قرائن قرآن»، دانشنامه قرآن، زیر نظر علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهران: ۱۳۹۶ ش.
۷۴. مالک بن انس، الموطأ، روایت یحیی لیثی، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، مصر: بی تا.
۷۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لآخبار الأئمة الأطهار، تحقیق: ابراهیم میانجی و محمد باقر بهبودی، مؤسسة الوفاء، بیروت: ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
۷۶. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، التمهید، قم: ۱۳۷۸ ش.
۷۷. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، مكتبة مدبولی، قاهره: ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م.
۷۸. موسوی دارابی، سیدعلی، نصوص فی علوم القرآن، باشراف محمد واعظزاده خراسانی، مجمع البحوث الاسلامی، مشهد: ۱۳۹۳ ش. ه.
۷۹. هُدلی، ابوالقاسم یوسف بن علی، الكامل فی القراءات والأربعین الزائدة علیها، تحقیق: جمال بن سید بن رفاعی الشایب، مؤسسة سما للتوزیع والنشر، ۱۴۲۸ ق/ ۲۰۰۷ م.
۸۰. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونس، دار الأعلمی، بیروت: ۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۹ م.